

الگوی شایستگی‌های فرهنگی سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام (با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی) (صفحات ۱۱۷ تا ۱۴۸)

احسان نامدار جویمی^۱ * سید علیقلی روشن^۲
نور محمد یعقوبی^۳ * بدرالدین اورعی یزدانی^۴

پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۶

دریافت: ۹۷/۰۳/۰۲

چکیده

در آموزه‌های معنوی تشیع در اسلام، معصومین در مقام و مرتبه انسان کامل، الگویی برای مومنان بوده‌اند و منبع بشارت و هدایت جویندگان حقایق جاودانه الهی در فرهنگ اسلامی هستند. این مقاله به دنبال الگویی از شایستگی‌های فرهنگی در سیره و فرهنگ معصومین به خصوص فرهنگ علوی و رضوی در برخورد با سایر افراد در روابط فرهنگی است تا با شناخت هر چه بهتر شایستگی‌های فرهنگی، این الگو را برای مومنان جویای معرفت و حقیقت در حد توان و ظرفیت خودشان کاربردی کنیم. با توجه به هدف پژوهش سؤال پژوهش عبارت است از: الگوی (ابعاد و مؤلفه‌های) شایستگی‌های فرهنگی از دیدگاه اسلام (قرآن و معصومین) با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی کدام است؟ در این راستا و برای پاسخ‌گویی به این سؤال از روش تحلیل محتوا از نوع کیفی به روش تحلیل تم (تماتیک) به کمک تکنیک دلفی برای تایید اعتبار و اطمینان آن استفاده شد. پس از مطالعه دقیق متون (اسناد و مدارک علمی و آیات و روایات)، مفاهیم حاصل از آن استخراج گردید و به هر کدام یک کد اختصاص داده شد. سپس مفاهیم مشابه شناسایی شد و با ترکیب آن‌ها مضامین فرعی تدوین گردید و در نهایت به تایید اجماع متخصصان و اهل فن در سه مرحله رسید و الگوی نهایی استخراج و تایید شده است. یافته‌های پژوهش در دو مضمون اصلی شامل: مضمون اول، احترام و شناخت فرهنگ متقابل در عین پابندی به فرهنگ خود و مضمون دوم، برخورد مناسب با فرهنگ متقابل است و هر کدام از مضامین اصلی دارای مضامین فرعی متعدد هستند که در بخش یافته‌های پژوهش آورده شده و مفصلاً درباره آنها صحبت شده است.

واژگان کلیدی: شایستگی‌های فرهنگی، فرهنگ علوی، فرهنگ رضوی، سرمایه انسانی، اسلام.

e.namdarjoyami@pgs.usb.ac.ir
asr@hamoon.usb.ac.ir
yaghoobi@hamoon.usb.ac.ir
yazdani@hamoon.usb.ac.ir

۱. دانشجوی دکتری مدیریت منابع انسانی دانشگاه سیستان و بلوچستان؛
۲. دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)؛
۳. استاد گروه مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان؛
۴. دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه سیستان و بلوچستان؛

مقدمه

«فرهنگ» مفهومی پیچیده است. فرهنگ، قوانین نوشته‌نشده‌ای است که به راحتی قابل مشاهده نیست و در رفتارها، گفتار، پندار و ارزش‌های افراد نقش دارد. در جهان امروز فرهنگ‌های مختلف زیادی وجود دارد و حتی در فرهنگ‌های مشترک نیز خرده فرهنگ‌های متفاوتی وجود دارد و در حال شکل گرفتن است. در عصر امروز یکی از دغدغه‌های جهان، درک صحیح فرهنگ‌ها و تفاوت‌های بین فرهنگی و ایجاد ارتباط و تعامل و هم‌زیستی بین آنهاست.

هر چه افراد به آموزه‌های قرآنی و فرهنگ اسلامی توجه بیشتری داشته باشند و در عمل، آنها را بیشتر به کار گیرند جامعه اسلامی تر می‌شود (پرکان، ۱۳۹۱: ۲۵۶) و به اهداف (چشم‌انداز) و مأموریت الهی نزدیک‌تر خواهیم شد (انبیا: ۱۰۵). انسان‌های جامعه اسلامی برای اداره بهتر جامعه، نیازمند کسب مهارت‌ها و شایستگی فرهنگی هستند؛ بهترین الگو، الگوی رفتاری و گفتاری معصومین است. بعد اساسی سازمان‌ها و جامعه، فرهنگ است (رایبزر، ۱۳۹۰: ۳۸۳).

آیه ۶۴ سوره آل عمران است: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران/۶۴).

«بگو ای اهل کتاب بیایید به سوی کلمه‌ای که تمسک به آن بر ما و شما لازم است و آن این است که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگیریم و یکدیگر را به جای خدای خود به ربوبیت نگیریم. اگر نپذیرفتند، بگوئید شاهد باشید که ما مسلمانیم.» به عبارتی با توجه به آیه بالا می‌توان گفت باید همه ادیان به توحید تمسک جویند و بر یک محور (خداپرستی) استوار شوند و اختلافات خود را کنار بگذارند. برای مثال اعمال حج برای مسلمانان این پیام را دارد که در عین تنوع، همه حول یک نقطه کانونی به نام «توحید» حرکت کنند. در دین اسلام، وجود تفاوت‌های فرهنگی نهی نمی‌شود و یک پدیده طبیعی در بین انسان‌ها در نظر گرفته می‌شود.

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات/۱۳).

«ای مردم ما همه شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را گروه‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا به این وسیله یکدیگر را بشناسید و گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست. به درستی که خدا دانای باخیر است». این آیه نشان‌دهنده آن است که مردم از فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های مختلف هستند؛ و ملاک برتری تنها به اخلاق‌مداری و خدا‌باوری و خدا‌ترسی است.

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» (روم/۲۲).

یکی از آیات او خلقت آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبانه‌ای شما و رنگ‌هایتان است که در این‌ها آیتی است برای دانایان». در این آیه فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های مختلف را از نشانه‌های الهی دانسته است؛ و بیان می‌کند باید با فرهنگ‌های دیگر ارتباط سازنده برقرار کرد و با آن‌ها شایسته برخورد کرد تا حدی که نشانه الهی باشد و با ارزش‌های الهی مغایرت نداشته باشد.

آیات بقره/۲۱۳، یونس/۱۹، آل‌عمران/۶۴ و انبیاء/۹۲ نیز به پذیرش فرهنگ‌های مختلف و هم‌زیستی ادیان و فرهنگ‌های مختلف اشاره دارد.

در اسلام هیچ قوم، نژاد و فرهنگی بر دیگر فرهنگ‌ها برتری ندارد و بر اساس تعلیمات اسلامی، وجود تبعیض بر اساس نژاد، رنگ پوست، زبان و ... نهی می‌شود و هیچ فرهنگی نمی‌تواند مدعی برتری شود، بلکه حق توهین به سایر فرهنگ‌ها را هم ندارد.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللِّقَابِ بئسَ اللَّاسِمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (حجرات/۱۱)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! مبادا قومی قوم دیگر را مسخره کند، شاید مسخره شدگان بهتر از مسخره کنندگان باشند و زنان، زنان را مسخره نکنند، شاید آنان بهتر از اینان باشند و در میان خودتان عیب‌جویی نکنید و یکدیگر را با لقب‌های بد نخوانید (زیرا) فسق بعد از ایمان، بد رسمی است، (مسخره و عیب‌جویی و بدنام بردن دیگران، خروج از مدار ایمان و فسق است که سزاوار شما نیست) و هر کس (از این اعمال) توبه نکند، پس آنان همان ستمگران‌اند».

اگر تفاوت فرهنگی بین فرهنگ اسلامی و فرهنگ دیگر (غیر اسلامی) در تضاد با

الگوی شایستگی‌های فرهنگی سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی.....

کانون ارزشی باشد باید کنار گذاشته شود و چنانچه با ارزش‌های اسلامی منافاتی نداشته باشد، برقراری روابط بین فرهنگی شایسته است.

ان الله يحب ان يؤخذ برخصه كما يحب ان يؤخذ بعزائمہ (وسائل الشیعه، ج ۱: ۸۱) ... خدادوست دارد در مسائلی که مردم را آزاد گذاشته است، مردم هم آزاد باشند؛ یعنی مسائل آزاد را آزاد تلقی نکنند، از خود چیزی درنیاورند. آنکه رخصت است را آزاد بدانند (مطهری، ۱۳۷۴: ۲۹۱). حضرت علی (ع) می‌فرماید خدا انسان را آزاد آفریده است و از این رو باید آزاد زندگی کرد و دیگران را نیز آزاد گذاشت و در حد حدود الهی رفتار کرد.

بر اساس مطالب بیان‌شده در بالا مشخص شد که وجود تفاوت‌های فرهنگی از دیدگاه اسلام پذیرفته‌شده است و بر اساس محور ارزشی بنانهاده شده است. به عبارتی با پیش‌فرض حفظ ارزش‌های اسلامی وجود تفاوت‌های فرهنگی دیگر آزاد گذاشته‌شده است. حال مسئله و سؤالی که ایجاد می‌شود آن است که معصومین با توجه به این موارد چه گفتار و رفتاری را در برخورد با این تفاوت‌های فرهنگی با سایر فرهنگ‌ها اتخاذ می‌کرده‌اند و در چه محیطی بر اساس احترام با آن‌ها روبرو می‌شده‌اند و برخورد می‌کرده‌اند تا با الهام‌گیری و به کارگیری این الگوی بتوان این الگو را در رفتار و گفتار سایر مومنین در اسلام، مسیحیت و یهود و ... به کار بست.

دوره پیش از حکومت‌داری و دوره حکومت‌داری حضرت رضا (ع) به دلیل وقایع مختلف از جمله جذب افراد و متخصصان و نخبگان با تفکرات و گفتارها و رفتارهای مختلف به تبعیت از فرهنگ رضوی (ع) و برخورد با ادیان مختلف و بحث‌های بین دینی و رویدادهای اجتماعی در این عصر و ... و از طرفی دیگر عصر علی ابن ابی‌طالب به دلیل وقایع مختلف دیگر از جمله وجود فتنه‌ها و احزاب و فرقه‌ها و جنگ‌های داخلی و خارجی و انتقال نبوت به خلافت به جای امامت و خانه‌نشین شدن و سکوت امام معصوم و حضور همیشگی امام در صحنه‌های فرهنگی و اجتماعی و علمی و ... عدالت محض ایشان و جنگ‌های مختلف با دشمنان داخلی و خارجی و دست‌پرورنده خلفای قبلی و ... حائز اهمیت و مطالعه است. فرهنگ و سیره علوی و رضوی در کنار سایر سیره معصومین درخور توجه است و در این پژوهش به سیره و فرهنگ معصومین با توجه بیشتر و تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی به شیوه شایستگی‌های فرهنگی پرداخته می‌شود.

شناخت شیوه برخورد معصومین با افراد بافرهنگ‌های مختلف باید شناسایی شود و از آن توسط سایر افراد غیر معصوم تبعیت شود. با توجه به این مطالب در این مقاله به دنبال الگویی از شایستگی‌های فرهنگی در سیره و فرهنگ معصومین به‌خصوص فرهنگ علوی و رضوی در برخورد با سایر افراد در روابط فرهنگی هستیم تا با شناخت هر چه بهتر شایستگی‌های فرهنگی، این الگو را برای سایر افراد جامعه در حد توان و ظرفیت خودشان کاربردی کنیم. هدف از انجام این پژوهش ارائه الگوی شایستگی‌های فرهنگی سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی است و با توجه به هدف پژوهش سؤال پژوهش عبارت است از الگوی (ابعاد و مؤلفه‌های) شایستگی‌های فرهنگی از دیدگاه اسلام (قرآن و معصومین) با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی کدام است؟

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. ادبیات تجربی

بر اساس مطالعات انجام شده، پژوهش‌های کمی درباره تماس‌ها و تعامل‌های بین فرهنگی انجام شده است، به‌خصوص تحقیقات بسیار کمی به صورت جامع در مورد شایستگی فرهنگی انجام شده است. ادبیات شامل مجموعه‌ای از مطالعات در مورد شایستگی فرهنگی است که عمدتاً به محیط‌های مصنوعی و آزمایشگاهی محدود می‌شود (به عنوان مثال، Desforges & et al, 1991; Gaertner & et al, & 1990; Halualani, 2008; Smith, 1994). در راستای تئوری تماس آلپورت (۱۹۵۴)، بسیاری از محققان نظریات ارزشمندی را درباره شایستگی فرهنگی ارائه کرده‌اند و به دنبال شناسایی ابعاد شایستگی فرهنگی بوده‌اند (Halualani, 2008). بنابراین، مطالعات قبلی، شرایط، اثرات و پیامدهای شایستگی فرهنگی را تحلیل کرده و عوامل مؤثر بر فرآیند تماس میان گروهی را کشف کرده‌اند. علاوه بر این، تعداد زیادی از مطالعات در رابطه با ارتباط گروه بین گروهی، شرایط تماس میان گروهی، کاهش تعصب و تغییر نگرش وجود دارد؛ این مطالعات همچنین یک پایگاه گسترده‌ای برای شایستگی فرهنگی ارائه داده‌اند (Allport, 1954; Amir, 1976; Dovidio, & et al, 2003; Halualani, 2008; Pettigrew,) (1986; Stephan, 1987).

اکثریت تحقیقات درباره شایستگی فرهنگی، شرایط تماس صحیح یا مطلوب را بیان

الگوی شایستگی‌های فرهنگی سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی.....

می‌کنند (مثلاً: «تماس باید داوطلبانه باشد»، «تماس باید به‌طور منظم و مکرر» باشد، «باید در میان افراد وضعیت اقتصادی اجتماعی مشابه " باشد) این نشان می‌دهد که بیشتر مطالعات تنها بر روی مخاطبی خاص که در شرایط مطلوب ظاهر شده‌اند متمرکز شده است. بنابراین، چنین مطالعاتی نمی‌توانند به‌طور مناسب بازخورد روزافزون مخاطب موجود و زندگی واقعی افراد را منعکس کنند (Bramel, 2004; Dixon, & et al, 2005; Halualani, 2008). از این رو این پژوهش نه در محیطی آزمایشگاهی بلکه به‌صورت میدانی انجام شده است تا بر اساس الگویی اسلامی خلا مطالعاتی موجود را برطرف کنیم و بر اساس یکپارچه سازی مطالعات قبلی و انسجام ادبیات موجود گامی در جهت توسعه مرزهای این مفهوم و شایستگی فرهنگی برای سرمایه انسانی و ان هم بر اساس الگوی اسلامی برداریم.

علاوه بر این، بررسی شایستگی فرهنگی ایده آل ممکن است مخاطب بین گروهی و گروهی را در موقعیت‌های پیچیده و واقعی زندگی نادیده بگیرد (Connolly, 2000; Dixon et al., 2005; Halualani, Chitgopekar, Morrison, & Dodge, 2004; Pettigrew & Tropp, 2000). اخیراً، تعداد قابل توجهی از تحقیقات روی تأثیرات شایستگی فرهنگی با رویکردهای بین‌المللی و ملی از طریق تعامل با ساکنان کشورهای میزبان و شهرهای داخلی کشور (Kormos, Csizér, & Iwaniec, 2014; Mak, Brown, & Wadey, 2014) و ارتباط بین انگیزه یادگیری مخاطب بین فرهنگی (Dunne, 2009, 2013; Matera,) (Stefanile, & Brown, 2012). تمرکز کرده است.

کرماس و سیزیر (۲۰۰۷) شایستگی فرهنگی را از دیدگاه یادگیری مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها یادآوری می‌کنند که ارتباط بین فرهنگی می‌تواند به توسعه شایستگی فرهنگی افراد کمک کند، که نه تنها ارتباط مستقیم و غیرمستقیم بلکه برخورد بین فرهنگی از طریق برخی از آثار فرهنگی را تسهیل می‌کند (Kormos & Csizér, 2007).

۱-۲. ادبیات نظری

تئوری ارتباط بین فرهنگی بعد از جنگ جهانی دوم ظاهر شد. برخی از محققان نظیر آلپورت (۱۹۵۴) ابتدا سیستم نظری نظریه تماس گروهی را پیشنهاد دادند، همچنین فرضیه تماس را نام بردند و راهکارهای مؤثر برای کاهش تعصب بین گروهی را مورد بررسی قرار دادند (Allport, 1954). موضوع اصلی این نظریه شامل بحث درباره

چگونگی کاهش بی‌نظمی بین گروهی در مورد تماس گروهی است. علاوه بر این، عوامل مختلفی که بر مخاطبین گروهی تأثیر می‌گذارد، در چهار شرایط مطلوب مورد بررسی قرار می‌گیرند: (۱) وضعیت مساوی، (۲) اهداف مشترک، (۳) همکاری بین گروهی و (۴) حمایت متقابل از مقامات، قوانین و آداب و رسوم (Allport, 1954: 537) این فرضیه توجه بیشتری را در میان دانشمندان به خود اختصاص داده است، و به دلیل پایه اجتماعی پیوستگی منطقی آن که در آن مخاطب می‌تواند نگرش‌ها و رفتارهای گروه‌ها و افراد را نسبت به یکدیگر تغییر دهد، به نوبه خود، این تغییرات بر ارتباط بعدی آن‌ها تأثیر می‌گذارد (Kormos & et al, 2014).

شایستگی فرهنگی عبارت است از: مجموعه‌ای از توانایی‌ها برای تعامل مؤثر و مناسب بین فرهنگ‌ها در زمینه‌های مختلف توصیف شده است (Arasaratnam, 2015, 2016; Hammer, 2015; Liu, 2012). در شایستگی به "اثربخشی" و "مناسب بودن" به عنوان معیار اصلی برای بررسی ارتباطات بین فرهنگی تأکید شده است. دانش، مهارت‌ها و نگرش برای ارزیابی شایستگی فرهنگی فرد از حوزه‌های غربی، به ویژه در ایالات متحده و اروپا استفاده می‌شود (Deardorff, 2015).

شایستگی فرهنگی توسط لوزینگ و کوستر^۱ (۱۹۹۳) چندین مؤلفه اصلی دارد: دانش، انگیزه و رفتار، ارتباطات و زمینه، سازگاری و اثربخشی. اهمیت روابط و زمینه نیز در شایستگی فرهنگی تأکید شده است. اجزایی مانند دانش، مهارت و انگیزه برای تعیین شایستگی فرهنگی ضروری است. علاوه بر این، اجزای دیگر شایستگی فرهنگی، مانند نگرش و آگاهی، در جوامع مدرن چندبعدی اروپایی شامل دانش، مهارت، نگرش و آگاهی میان فرهنگی بین فرهنگی است، مورد بحث قرار گرفته شده است. بعدها، عناصری مانند دانش، نگرش‌ها، مهارت‌ها و آگاهی به عنوان هسته‌ای برای شایستگی فرهنگی در مطالعات توسط فانتینی^۲ (۲۰۰۰، ۲۰۰۶) در نظر گرفته شده است.

متغیرهای دیگر نیز به عنوان ابعاد شایستگی فرهنگی شناخته شده‌اند، از جمله نگرش مثبت نسبت به سایر فرهنگ‌ها و همدلی (Arasaratnam & Doerfel, 2005)، سلامت جسمانی افراد (Sandage & Jankowski, 2013)، شناخت سایر فرهنگ‌ها

1- Lustig and Koester
2- Fantini

الگوی شایستگی‌های فرهنگی سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی.....

(Pettigrew, 2008; Pettigrew & Tropp, 2011) و کنجکاوی (Deardorff, 2006))، و غیره است. این مباحث مربوط به اجزاء یا متغیرهای شایستگی فرهنگی به‌طور معمول، رویکرد متداول سنتی جریان اصلی را از دیدگاه ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری از مبانی تحلیلی متغیر تحقیق در شایستگی فرهنگی در ۵۰ سال گذشته در نظر گرفته است (Arasaratnam, 2015, 2016 Bennett, 1986; Hammer, 2015). این پژوهش به دنبال ارایه الگوی شایستگی فرهنگی بر اساس الگوی اسلامی است.

افراد نسبت به مدیریت فرهنگی و ایجاد شایستگی‌های فرهنگی سه عقیده دارند: افرادی اعتقاد دارند «فرهنگ قابلیت مدیریت ندارد» و اظهار می‌کنند چون هنجارها و ارزش‌ها ریشه در پیش‌فرض‌های بنیادی و باورها دارند، مدیریت کردن فرهنگ دشوار و محدود می‌شود (هچ، ۱۳۸۵: ۳۷۷)، صاحب‌نظران این دیدگاه اظهار می‌کنند که فرهنگ قابلیت کنترل ندارد و به‌طور خودکار پیش می‌رود (رابینز، ۱۳۹۰: ۳۹۱)؛ گروه دوم اعتقاد دارند «فرهنگ قابلیت مدیریت دارد» و عقیده دارند که نظریه فرهنگ، شکل جدیدی از نفوذ و کنترل مدیریت در سازمان است. این گروه بیان می‌کنند که اگر فرهنگ از طریق هنجارها و ارزش‌ها، رفتار را تحت تأثیر قرار دهد، آنگاه مدیریت هنجارها و ارزش‌های سازمان می‌تواند به رفتارهای مطلوب و فرهنگ جدید شکل بدهد (هچ، ۱۳۸۵: ۳۷۷). بنابر این فرهنگ قابلیت کنترل و مدیریت دارد (ادلر، ۱۳۸۷: ۳۴).

دسته سوم اعتقاد به یک دید میانه دارند و باور دارند که فرهنگ تا حدی قابل کنترل و مدیریت است. هرچند بخش‌هایی از آن را نمی‌توان کنترل و مدیریت نمود. مراحل ایجاد شایستگی فرهنگی و مدیریت شایستگی‌های فرهنگی در بین افراد به‌صورت زیر است:

مرحله اول: انکار! زمانی روی می‌دهد که فرد، فرهنگ خود را تنها فرهنگ حقیقی در نظر می‌گیرد و از دیگر فرهنگ‌ها کناره‌گیری می‌کند (Bennett, 1986). در این وهله فرد تفاوت‌های فرهنگی را نمی‌پذیرد و به تفاوت‌های فرهنگی بی‌توجه است و معتقد است فرهنگ خود تنها واقعیت موجود است و سایر فرهنگ‌ها باید با آن مطابقت داشته باشند. این عقیده

1- Denial

می‌تواند به منزوی شدن اجتماعی مبدل شود (Hammer & et al., Endicott & et al, 2003). مرحله دوم: دفاع^۱: در این مرحله فرد، فرهنگ خود را تنها فرهنگ خوب موجود و تجربه‌شده می‌داند (Hammer & et al, 2003) و نوعی ارزیابی منفی از تفاوت‌های فرهنگی دارد. مرحله سوم: کوچک شماری^۲: زمانی است که فرد تمامی فرهنگ خود را جهانی تلقی می‌کند و فرهنگ‌های دیگر را بی‌اهمیت در نظر می‌گیرد (Bennett, 1986)؛ اما اشتراکات و شباهت‌ها بین فرهنگی را قبول دارد (Paige, 2003؛ Endicott & et al, 2003). مرحله چهارم: پذیرش^۳: این مرحله، همان نسبی‌گرایی فرهنگی است و زمانی است که فرد، فرهنگ خود را تنها یکی از فرهنگ‌های موجود در جهان می‌داند (Bennett, 1986) و نسبت به فرهنگ‌های دیگران احترام قائل است (Endicott & et al, 2003). مرحله پنجم: انطباق^۴: مرحله‌ای است که فرد فرهنگ دیگر را تجربه می‌کند، درک و رفتاری متناسب با آن فرهنگ برای فرد ایجاد می‌شود (Bennett, 1986). در این مرحله فرد تلاش می‌کند که دیدگاه طرف مقابل را جذب کند. مرحله ششم: یکپارچگی^۵: وضعیتی است که تجربه فرد از خود تا تغییر در درون و برون دیدگاه‌های بین فرهنگی توسعه پیدا می‌کند (Bennett, 1986) و جهان‌بینی بیش از یک فرهنگ برای فرد نهادینه می‌شود و در نتیجه فرد هویتی پیدا می‌کند که می‌تواند درون و برون چارچوب‌های ارزشی خاص خود رفت‌وآمد کند. در این مرحله فرد انعطاف بیشتری در حل تضادهای بین فرهنگی پیدا می‌کند (Endicott & et al, 2003).

۳. روش پژوهش

این پژوهش، به صورت مروری و کتابخانه‌ای است که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی (انتزاعی) با تکیه بر منابع دینی (کتاب و سنت با تأکید بر سیره علوی و رضوی) به دنبال ارائه الگوی (شاخصه‌ها و مؤلفه‌ها) شایستگی‌های فرهنگی از دیدگاه اسلام و معصومین با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی می‌پردازد. همین‌طور برای تأیید اعتبار و اطمینان پژوهش از یافته‌های بخش کتابخانه‌ای از تکنیک دلفی برای رسیدن به اجماع

1. Defense
2. Minimization
3. Acceptance
4. Adaptation
5. Integration

نظر متخصصان اهل فن استفاده کرده ایم.

تحلیل تم روشی است که به شناسایی، تحلیل و گزارش الگوها و تم‌های مستتر در اطلاعات مرتبط با سؤال تحقیق می‌پردازد و در چند سطح قابل اعمال است. تحلیل تم می‌تواند به طور مستقیم از مصاحبه شفاهی، شنیدن سخنرانی یا از درون مستندات باشد. این مستندات می‌تواند مستندات دسته اولی باشد که محقق اول از مصاحبه، مشاهده یا از طرق مشابه به دست می‌آورد یا اینکه مستنداتی باشند که قبلاً توسط دیگران تدوین و نگارش شده‌اند. روال‌های مختلفی برای تحلیل تم وجود دارد، با وجود تفاوت‌های ظاهری که در سه مرحله جمع‌آوری و توصیف، سازمان‌دهی و تنظیم و در آخر تفسیر و بازنمایی الگوهای گوناگون وجود دارد، الگوی ساده ولکات، شامل سه مرحله توصیف، تحلیل و تفسیر مجزا شده‌اند (نیل و کمپ، ۲۰۰۹). تکنیک دلفی یک شیوه جمع‌آوری اطلاعات است که با توجه به مشکل دسترسی و جمع‌آوری اطلاعات از افراد متخصص و فاصله زمانی و مکانی با متخصصان برای رسیدن به اجماع نظر درباره یک مفهوم استفاده می‌شود. در این پژوهش تکنیک دلفی از طریق ارسال پرسش‌نامه‌ها از طریق ایمیل و گرفتن پاسخ‌ها به وسیله پیشنهادات از طریق متن و پاسخ به سوالات پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. لازم به توضیح است در ابتدا ۱۰ نفر از متخصصان حوزوی و مدرس دانشگاه انتخاب شدند و سپس با پیشنهاد این افراد ۱۳ نفر بعدی به پژوهش اضافه شده‌اند که در کل ۲۳ متخصص در بخش تکنیک دلفی مشارکت داده شده‌اند (روش گلوله برفی). تکنیک دلفی در این پژوهش در سه مرحله انجام شده است و در مرحله سوم با توجه به میانگین پاسخ‌های ارایه شده به گویه‌های پرسش‌نامه و تکرار شدن میانگین این گویه‌ها با انحراف ۰٫۵ فرایند تکنیک دلفی در مرحله سوم متوقف شده است. لازم به توضیح است که شکل پاسخ‌گویی به گویه‌های پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت و به صورت کاملاً موافقم یا گزینه ۵ الی کاملاً مخالفم با گزینه ۱ بوده است (کاملاً موافقم ۱- موافقم ۲- فرقی ندارد و متوسط ۳- مخالفم ۴- کاملاً مخالفم ۵). و میانگین‌های به دست آمده از ۱ تا ۵ بوده‌اند که میزان حد توافق برای تکنیک دلفی بالای ۰٫۳ و حد متوسط در نظر گرفته شده است.

با شناخت بهتر مفهوم شایستگی فرهنگی در متون علمی ابتدا درصدد شناخت این مفهوم برآمده‌ایم و در ادامه با پایش مفاهیم مربوطه به دنبال این هستیم که شاخصه‌های

شایستگی‌های فرهنگی در سیره معصومین چه بوده است و معصومین به‌خصوص (مولی‌الموحدين علی ابن ابی‌طالب و امام رضا (ع)) در سیره نظری و عملی خود چگونه شایستگی فرهنگی را نهادینه و به کار می‌برده‌اند؛ زیرا هدف از بعثت پیامبران و امامان همواره هدایت و بشارت انسان‌ها برای رسیدن انسان به شایستگی و شناخت خود به‌عنوان انسان (اشرف مخلوقات و دارای روح الهی) و روابط و رفتار با سایر انسان‌ها (به‌عنوان اشرف مخلوقات و دارای روح الهی) و جهان هستی (به‌عنوان ظهور الله و هم‌راستایی ظهور و باطن الله در عین هم) است.

برای این مهم از روش تحلیل محتوا از نوع کیفی به روش تحلیل تم (تماتیک) استفاده شده است. بر این اساس پس از مطالعه دقیق متون پیاده شده از متن، مفاهیم حاصل از آن استخراج می‌گردد و به هر کدام یک کد اختصاص داده می‌شود. سپس مفاهیم مشابه شناسایی شده و با ترکیب آن‌ها تم‌های (مقوله) فرعی تدوین می‌گردد. چنین اقدامی برای همه‌ی متن‌ها انجام می‌شود و در صورت وجود گوی‌هایی (مفاهیم) با مضامین مشابه در متن‌های قبلی از کدهای قبلی (کدهای مفهومی) استفاده می‌شود. در نهایت یافته‌های پژوهش و الگوی حاصله از بخش مطالعات اسناد و مدارک با توجه به نظر متخصصان حذف و اضافه و اصلاح می‌شود و در نهایت مدل نهایی مبتنی بر الگوی اسلامی با تاکید بر فرهنگ علوی و رضوی ارائه می‌شود.

۴. یافته‌ها و تحلیل پژوهش

لازم به توضیح است که کدهای به دست آمده در متون و اسناد و مدارک در بخش زیر مشخص شده و بخش‌هایی که زیر آن‌ها خط کشیده شده است به‌عنوان کد در نظر گرفته شده‌اند و کدهایی که مشابهت داشته‌اند به صورت یک کد در نظر گرفته شده است تا از کدهای تکراری جلوگیری شود که همان مضامین فرعی هستند.

جدول ۱. یافته‌های پژوهش (کدگذاری باز و دست یافتن به مضامین فرعی و اصلی)*

کدهای به دست آمده از متن (مضامین فرعی)*	مضامین اصلی*
<p>تنوع فرهنگی یک امر طبیعی - برتری بر اساس تقوا و اخلاق - هوش فرهنگی - برقراری ارتباط بر اساس اشتراکات فرهنگی - توجه به خدامحوری در سایر ادیان - توجه به معاد در فرهنگ‌های مختلف - تبعیت از پیامبران و امامان - اعتماد به نفس در مسیر حرکت به حق - اقرار به اشتباهات خود - پیروی از حق - دوری از باطل - صداقت - مقاوم و پایدار در برابر حوادث روزگار - ایستادگی در برابر هجمه فرهنگی و نظامی - توکل بر خدا - اخلاق‌مداری - اشراف علمی - جلسات معارفه و آشنایی - توجه و کمک به سایر افراد و هم‌نشینی با نیازمندان جدای از دین و فرهنگ آن‌ها - تواضع و فروتنی - مردم‌داری - گم‌نامی - هم‌دلی و هم‌زبانی - پای بند بودن به ارزش‌های اخلاقی و دینی - معذرت‌خواهی در صورت لزوم - نداشتن غرور - عدم سرکشی - دوری از اضطراب و پریشانی - گرمی بودن انسان‌ها - همزیستی مسالمت‌آمیز - برابری - برادری - تعلیم و تعلم - ترک تعصب قومی و مذهبی - ارتباط با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها - تعامل فرهنگی - تحول فکری - تسلط کامل بر مبانی فکری و اعتقادی سایر فرهنگ‌ها - اطلاع و اشراف درست نسبت به مبانی فرهنگ‌های دیگر - مناظر با فرهنگ‌های مختلف - امر به معروف و نهی از منکر - نگرش مثبت - گفتار نیکو - عمل نیکو - عدم توجه به عیوب خود و عیب‌گری از دیگران - عمل به گفته‌ها - کم‌سخن گفتن و درست سخن گفتن - سخن گفتن با مراعات سطح فهم و درک مخاطب و فرهنگ دیگر - مدارا کردن با دیگران - درستی نکردن با دیگران - شناخت دوستان - شناخت دشمنان - مروت با دوستان - مدارا با دشمنان - دشمنی با طاغوت و ظالمان - دوستی با مردم - رازداری - مدارا و نرمش با مردم - پرهیز از گناه و آلوده کردن خود به حرام و انجام نارواها و ترک رواها، چه در پیدا و چه در نهان - درخواست کمک از خدا باور - سود رساندن به دیگران - شناخت قدر و اندازه خود و دیگران - دوری از هوا و هوس - دوراندیشی - حفظ سلامت جسمی و روحی خود و دیگران - عدم وابستگی به دنیا - آخرت‌گرایی - خدا باوری - استفاده از عقل - استفاده از چشم دل - خودداری به هنگام سرگردانی و گمراهی - عاقبت‌گرایی - ستم نکردن به دیگران - ادای حق مردم - ادای حق خدا - وابستگی و نیاز مردم به مردم - عدم برتری شخصی بر شخصی - ارزش انسان بر اساس عقل و همت - حفظ زبان و چشم و گوش - دوستی و مروت با دیگران - آراستگی ظاهری و روحی - شکیبایی - مشورت.</p>	<p>احترام و فهم و شناخت فرهنگ مقابل در عین پابندی به فرهنگ خود*</p>

نیکی به نیکوکاران و شایستگان جامعه و سخت‌گیری بر بدکاران - عدالت - کمک به نیازمندان - رسیدگی به طبقه فرودست - ویژه کردن بخشی از وقت برای پاسخگویی به مردم و رسیدگی به نیازهای آنان - ویژه کردن بخشی از شب و روز برای نیایش و پرستش و گزاردن واجبات - پرهیز از خویشاوند گرایی - رساندن حق به حق‌دار - روشنگری و درآوردن مردم از گمان‌های بد، نسبت به خود و دیگران - وفای به پیمان و پرهیز از پیمان‌شکنی - پرهیز از خودپسندی، خودبرتربینی - دوست داشتن ستایش دیگران - پرهیز از منت‌گذاری بر دیگران - عمل به وعده‌ها - پرهیز از شتاب در کارها - پرهیز از تندى، سرکشی و تیز زبانی و سخن ناسنجیده - خویشتن‌داری، به هنگام خشم - گردن سنت‌های نیکو - نصیحت کردن - پند گرفتن - بیان گوناگون و متنوع و تکرارهای گوناگون گفتار در جهت تفهیم بهتر - دوری از طمع و افزون‌خواهی - ساده زیستی - دوری به پروبال دادن به تفاوت‌ها و اختلافات فرهنگی - دوستی با دوستان در حد اعتدال - دشمنی با دشمنان در حد اعتدال - ذکر خدا - حفظ ارزش‌های اخلاقی و دینی - احترام به فرهنگ مقابل - دوری از اهداف زودگذر - استفاده بهینه از زمان - خالص بودن در ایمان به توحید و معاد - خوب گوش کردن - خوب سخن گفتن - مشورت - اجرای حدود الهی - یقین - سخاوت نفس - مدارا کردن و رحمت با مردم - اخلاق نیکو - داوری با عدالت و احسان - نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان - دوستی با دوستان خدا - دشمنی با دشمنان خدا - مهربانی با خانواده و همسایگان - حضور در جامعه و ارتباط با فرهنگ‌های مختلف - مثبت‌اندیشی - رازداری - صبر و شکیبایی در مشکلات - نبودن عامل ترس افراد - عدم زورگویی و تهدید افراد - نیکی به پدر و مادر - عدم نیرنگ بازی - عدم تکبر و غرور - امر به معروف و نهی از منکر - سبقت در کار نیک - بخشش و رأفت با مردم.

لازم به توضیح است که ابتدا متون لازم و مرتبط جمع‌آوری شده است و سپس کد گذاری شده است و از کدهای باز به دست آمده مضامین فرعی و درنهایت از کنار هم قرارگیری مضامین فرعی، مضامین اصلی شکل گرفته‌اند.

۴-۱. (مضمون اصلی اول): احترام، فهم و شناخت فرهنگ متقابل در عین پابندی به خود لازم به توضیح است متونی که زیر آنها خط کشیده است هر کدام به عنوان یک کد شناخته شده‌اند. سپس کدهایی که مشابهت داشته و تکراری بوده‌اند، همسان‌سازی شده‌اند و در یک عنوان واحد قرار گرفته‌اند که در نهایت مضامین فرعی را شکل داده‌اند و در نهایت از کنار هم قرارگیری مضامین فرعی یک مضمون اصلی ایجاد شده است

که خلاصه این مهم را می‌توان در جدول شماره ۱ مشاهده کرد. همچنین کدگذاری انجام شده در بخش زیر قابل مشاهده است.

(کدگذاری باز برای به دست آوردن مضامین فرعی) هر کد با یک شماره مشخص شده است. قرآن کریم از تنوع فرهنگی به عنوان یک امر طبیعی (۱) یاد می‌کند. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳)؛ ای مردم، ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ای قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست)، گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین (۲) شماست. خداوند دانا و آگاه است.

هوش فرهنگی (۳) به فرد این امکان را می‌دهد که اشتراکات و اختلافات فرهنگی بین افراد را درک کند (۴) و از آن‌ها در برقراری ارتباط و شایستگی فرهنگی کمک بگیرد. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا» (آل عمران: ۶۴)؛ بگو: ای اهل کتاب، بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است که جز خداوند یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم (۵). خدا باوری (۶) محور ایجاد برقراری ارتباط با فرهنگ‌های مختلف است و باید بر اساس آن حرکت کرد. با دوستان خدا، دوست بود و با دشمنان خدا دشمن بود؛ هرچند احترام به دوست و دشمن واجب است (۷).

«وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمِعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَشْرَبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بَكْفَرِهِمْ قُلْ بِسْمَايَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيْمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (بقره: ۹۳)؛ ... این دستوراتی را که به شما داده‌ایم محکم بگیرید و درست بشنوید (۸)!

... ساحران پی به حقانیت او بردند (۹)، قلب ساحران به لرزه در آمد: «فَعَلْبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ * وَالْقَبِي السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ * قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ» (اعراف: ۱۱۸-۱۲۱)؛ ... سخن و عمل حق در هر جا بود باید آن را پذیرفت و بدان عمل کرد و به آن گروید، این حق ممکن است از مشرک صادر شود و ممکن است کفر از مسلمان صادر شود. ملاک حق و باطل انسان‌ها نیستند بلکه دستور الهی است چه آن فرد کافر باشد و چه مسلمان باید حق را دنبال کرد و کفر و باطل را کنار گذاشت (۱۰).

انسان‌ها با شناخت خود، می‌توانند بر خود مسلط شوند و در برابر حوادث ایستادگی کنند: «وَالْمُؤْمِنُونَ بَعْهَدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ

صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ» (بقره: ۱۷۷)؛ و (همچنین) کسانی که وقتی عهد و پیمان می‌بندند به عهد خود وفا می‌کنند ... این‌ها کسانی هستند که راست می‌گویند و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و اینان هستند. گفتار انسان باید با عمل وی هم‌خوانی داشته باشد و چیزی نگوید که خود بدان عمل نمی‌کند (۱۱) که این عمل بی‌حاصل، مانند زنبور بی‌عسل بودن است.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» (انفال: ۶۴)؛ ای پیامبر، خداوند و مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند برای حمایت تو کافی هستند (فقط بر آن‌ها تکیه کن)؛ یعنی دل‌خوشی و اعتماد شما برمدار ایمان باشد (۱۲) (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۶۱).

مؤمنان هستند که با قلبی استوار در برابر حوادث روزگار مقاوم و پایدار می‌ایستند و از هیچ هجمه فرهنگی و نظامی نمی‌هراسند. «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» (توبه: ۱۲۹)؛ اگر آن‌ها (از حق) روی بگردانند، (نگران مباش) بگو: خداوند مرا کفایت می‌کند. هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم (۱۳) و او صاحب عرش بزرگ است.

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ پس به [برکت] رحمت الهی با آنان نرم‌خو (۱۴) [و پرمهر] شدی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه (۱۵). در کار [ها] با آنان مشورت کن و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن (۱۶) زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد (آل عمران/۱۵۹).

اخلاق‌مداری (۱۷)، در عین اشراف علمی، شرایطی را فراهم آورده بود که خانه حضرت لبریز از خیل مشتاقان و شیفتگان سبک زندگی و الگوهای رفتاری ایشان بود (ابن شهر آشوب مازندرانی، بی‌تا ج ۴: ۳۳۴)؛ به یاد نسبت به دیگران بی‌تفاوت نبود (۱۸)، زیرا انسان‌ها دارای روح الهی هستند و بی‌میلی به آن‌ها، بی‌میلی به خداست.

اوج فروتنی (۱۹) و مردم‌داری (۲۰) امام هشتم (ع) را از این گزارش تاریخی می‌توان دریافت که مردی در حمام از ایشان خواست تا بدنش را مالش دهند و حضرت با فروتنی پذیرفتند و ... (ابن شهر آشوب مازندرانی، بی‌تا ج ۴: ۳۶۲).

اسلام با تکیه با ارزش‌هایی مانند برابری و برادری، همزیستی مسالمت‌آمیز با اهل کتاب،

الگوی شایستگی‌های فرهنگی سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی.....

تعلیم و تعلم و ترک تعصب قومی و مذهبی (۲۱)، زمینه شکل‌گیری و رشد تمدنی با درون‌مایه‌های غنی را فراهم ساخت که خدمات و تأثیرهای چشمگیر آن، حتی امروز نیز بر فرهنگ و تمدن بشری پرتو افکنده است.

البته مواجهه و تعامل با ادیان و فرق مذهبی، نیازمند تسلط کامل بر مبانی فکری و اعتقادی (۲۲) آنان است تا بتوان بااطلاع و اشراف درست نسبت به مبانی آنان، به بحث و مناظره پرداخت. از ویژگی‌های عالم آل محمد (ص) نیز تسلط کامل بر کتاب‌های سایر آیین‌ها بود (۲۳) که هنگام مناظره کاملاً آشکار می‌شد (صدوق، ۲۰۰۹ م، باب ۶۵: ۵۲۹-۵۰۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۴۹: ۱۰۰). در برقراری ارتباط با سایر فرهنگ‌ها باید به اصول و عقاید آن‌ها آگاه بود و به آن‌ها احترام گذاشت و بدان عمل کرد تا جایی که با اسلام مغایرت نداشته باشد (۲۴). برقراری ارتباط بین فرهنگی و تعامل سازنده در اسلام مدح شده است و با اسلام مغایرتی ندارد، زیرا خداوند انسان‌ها را اقوام مختلف آفریده است که نشانه الهی در آن است.

«فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ: پس تذکر بده که تو (به‌عنوان رسول) تنها تذکر دهنده‌ای» (غاشیه/ ۲۱).

«كَانَ يَعْرِفُ مَوْضِعَ جَعْفَرِ (ع) فِي الْمَسْجِدِ بِطَبِيبِ رِيحِهِ وَ مَوْضِعَ سُجُودِهِ؛ جایگاه امام جعفر صادق (ع) در مسجد، از بوی خوش آن و از جای سجودش شناخته می‌شد» (۲۵) (طبرسی، ۱۴۱۲ ق: ۴۲).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟» (صف/ ۲).

نشانه ایمان، آن است که راست بگویی (۲۶) آنگاه که تو را زیان رساند و دروغ نگویی (۲۷) زمانی که به تو سود رساند و آن که بیش از مقدار عمل سخن نگویی و چون از دیگران سخن گویی، از خدا بترسی. (نهج البلاغه، حکمت ۴۵۸) حکمت ۳۵۳: بزرگ‌ترین عیب، آن است که چیزی را که در خودداری بر دیگران عیب بشماری (۲۸).

در مشکلات از خدا یاری جوی و درشتی را با اندک نرمی بیامیز (۲۹). ... (نهج البلاغه، نامه ۴۶).

به افراد پایین‌تر از خود توجه داشته باش (۳۰) که راه شکرگزاری تو دربرتری است.

(نهج‌البلاغه: نامه ۶۹). شایستگی فرهنگی بدان معناست که ارزش‌ها و حفظ ساده زیستی و آراسته زیستی (۳۱) رعایت شود و همواره جانب نیازمندان رعایت شود. حقوق و احترام شخصی پایمال نشود؛ زیرا ملاک برتری به تقوا و خداباوری است و ثروت در دست افراد، آزمایشی الهی است که باید به‌درستی ادا شود (۳۲).

با مردم فروتن باش، نرم‌خو و مهربان باش، گشاده‌رو و خندان باش (۳۳). (نهج‌البلاغه، نامه ۲۷). این شاخصه‌ها در افراد باعث دوستی و نزدیکی می‌شود.

از رعیت، آنان را که به دنبال عیوب دیگران، بیشتر جست‌وجو می‌کنند، از خود دور کن و دشمن بدار، زیرا مردم عیوبی دارند که رهبر امت در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است (۳۴)؛ (نهج‌البلاغه: نامه ۵۳).

هرگاه رعیت گمان ستمی بر تو ببرد، آشکارا عذرت را به آنان ارائه کن و به اظهار عذر، گمان‌های آنان را از خود برگردان (۳۵)؛ (نهج‌البلاغه). ... در صورت اشتباه از آن‌ها عذرخواهی کرد و مغرور نبود. برتری انسان‌ها به اخلاق و خدامحوری است (۳۶)....

بر اساس نامه ۳۱ به امام حسن (ع) در نهج‌البلاغه: بایست از افرادی که خدا باور هستند کمک طلبید، زیرا خدا باور انسان را به یاد خدا می‌اندازد و طاغوت انسان را از یاد خدا غافل می‌کند (۳۷).

نامه ۴۹: ... دنیاپرستان چیزی از دنیا به دست نمی‌آورند (۳۸)، ... (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۰: ۴۰۰). دنیا ظهور خداست و فانی است و آنچه باقی است، ظهور و باطن الله است.

خطبه ۲۳۷: ... عمل نیکو انجام دهید (۳۹)، ... (نهج‌البلاغه).

خطبه ۱۰۳: «دانا کسی است که اندازه و قدر خود را بشناسد و برای نادانی کسی همین بس که اندازه خود را نداند» (۴۰) (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۰۳). انسان تا زمانی که زنده است باید به انسان‌های دیگر از هر قوم و نژاد (فرهنگ) خدمت کند (۴۱)، زیرا خدمت به مخلوق خدمت به خدا همان خدمت به بنده خداست (۴۲)؛ و یاد مخلوقات خدا، یاد خداست و انسان را به یاد خدا می‌اندازد (۴۳).

«کسی که خود را گرامی دارد، هوا و هوس را خوار شمارد» (نهج‌البلاغه، حکمت ۴۴۹). در شایستگی فرهنگی و ارتباط با سایر فرهنگ‌ها باید بر اساس عقل عمل کرد و طمع و هوا و هوس را از خود دور کرد (۴۴) که این شاخص در تمامی فرهنگ‌ها قبیح است.

«ارزش هر کس به مقدار دانایی و تخصص اوست» (۴۵) (نهج‌البلاغه، حکمت ۸۱).

الگوی شایستگی‌های فرهنگی سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی.....

انسان‌ها باید نسبت به سایر فرهنگ‌ها تخصص داشته باشند و در چگونگی برقراری ارتباط با سایر فرهنگ‌ها دانایی و آگاهی داشته باشند.

«حاصل کوه فکری، پشیمانی و حاصل دوراندیشی، سلامت است» (۴۶) (نهج البلاغه، حکمت ۱۸۱). در برقراری ارتباط با سایر فرهنگ‌ها باید به گونه‌ای عمل کرد که نتایج کوتاه‌مدت و بلندمدت مثبتی داشته باشد و درگیر لذت‌های زودگذری نشویم که تأسف بلندمدتی را به همراه داشته باشد و یا به گونه‌ای عمل شود که سلامت جسم و روح را به همراه داشته باشد.

«پس جایگاه آینده را آباد کن، آخرت را به دنیا بفروش و آنچه نمی‌دانی مگو و آنچه بر تو لازم نیست بر زبان نیاور و در جاده‌ای که از گمراهی آن می‌ترسی قدم مگذار، زیرا خودداری به هنگام سرگردانی و گمراهی، بهتر از سقوط در تباهی‌هاست» (۴۷) (نهج البلاغه، نامه ۳۱). باید دنیا وسیله‌ای برای رسیدن به آخرت باشد و به‌عنوان پلی برای خدمت به مردم و ملاقات خداوند (۴۸) باشد. دنیا ابزاری (۴۹) است در دست مؤمن که نباید اسیر آن شود و به‌درستی از آن استفاده کند.

«ای پسرم نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار ده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی، برای دیگران مپسند، ستم روا مدار، آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود، نیکوکار باش، آن‌گونه که دوست داری به تونیکی کنند و آنچه را که برای دیگران زشت می‌داری برای خود نیز زشت بشمار و چیزی را برای مردم رضایت بده که برای خود می‌پسندی» (۵۰) (نهج البلاغه، نامه ۳۱).

«ای مالک بدن مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد و هیچ‌یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست (۵۱)....» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

«...، اگر دعوت شما را بپذیرم، بر اساس آنچه می‌دانم با شما رفتار می‌کنم و به گفتار این‌وآن و سرزنش کنندگان گوش فرا نمی‌دهم (۵۲)» (نهج البلاغه، خطبه ۹۲).

«سخن بگویند تا شناخته شوید، زیرا که مرد زیر زبانش نهفته است» (۵۳) (نهج البلاغه، حکمت/۳۷۲).

«کسی چیزی را در دل پنهان نکرد جز آن که در لغزش‌های زبان و رنگ رخسارش،

آشکار خواهد گشت» (۵۴) (نهج البلاغه، حکمت/۲۶).
«بر شما باد به پیوستن با یکدیگر و بخشش همدیگر، مبدا از هم‌روی گردانید و پیوند دوستی را از بین ببرید» (۵۵) (نهج البلاغه، نامه/۴۷).
«پس با من چنان که با پادشاهان سرکش سخن می‌گویند، حرف نزنید (۵۶) و ... پس از گفتن حق، یا مشورت در عدالت خودداری نکنید» (۵۷) (نهج البلاغه، خطبه/۲۱۶).
«شکیبایی (۵۸) پیشه کردم (نه شکیبایی آمیخته با آرامش خاطر، بلکه) درحالی که گویی در چشمم خاشاک بود و استخوان راه گلویم را گرفته بود» (نهج البلاغه، خطبه/۳).
شایستگی فرهنگی بدان معناست که با فرهنگ‌های مختلف سازنده داشته باشیم تعامل و به اشتراکات خود تمسک جویم و اختلافات دوری کنیم و همواره به گونه‌ای عمل شود که ارزش‌های خود و دیگران حفظ شود و مرزهای اسلام و ارزش‌های اسلامی زیر پا گذاشته نشود. حدود الهی کامل باید برقرار باشد و طبق آن عمل کرد (۵۹).

۴-۲. (مضمون اصلی دوم): برخورد مناسب با فرهنگ متقابل
لازم به توضیح است متونی که زیر آنها خط کشیده است هر کدام به عنوان یک کد شناخته شده اند. سپس کدهایی که مشابهت داشته و تکراری بوده اند، همسان سازی شده اند و در یک عنوان واحد قرار گرفته اند که در نهایت مضامین فرعی را شکل داده اند و در نهایت از کنار هم قرار گیری مضامین فرعی یک مضمون اصلی ایجاد شده است که خلاصه این مهم را میتوان در جدول شماره ۱ مشاهده کرد. همچنین کدگذاری انجام شده در بخش زیر قابل مشاهده است.

(کد گذاری باز برای به دست آوردن مضامین فرعی) هر کد با شماره مشخص شده است. تنوع گفتار به تناسب مخاطب (۱)، یکی از مهارت‌هایی است که افراد باید داشته باشند. «وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِيَذَكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا» (إسراء: ۴۱)؛ و به یقین، ما در این قرآن (حقایق را با بیان‌های گونه‌گون و) مکرر بیان کردیم تا پند گیرند و جز بر رمیدگی آنان نیفزود. «صَرَّفْنَا» به معنای بیان گوناگون و متنوع و تکرارهای گوناگون گفتار در جهت تفهیم بهتر و گسترش مخاطبان است (۲). امام رضا (ع) فرمودند: «من طلب الامر من وجهه لم يزل فان زل لم تخذله الحيلة» (حکیمی، ۱۳۶۸: ۳۴۹)؛ همان‌طور که بیان شد قرآن داستان‌ها و اخبار مختلف را به صورت‌های گوناگون بیان می‌کند تا هر

الگوی شایستگی‌های فرهنگی سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی.....

کس متناسب با سطح درک و فهم خود از این دریای بیکران جرعه‌ای بنوشد(۳). این نشان دهنده شایستگی فرهنگی در قرآن کریم است. تنوع فرهنگی با تنوع طلبی و افزون‌خواهی متفاوت است. به عبارت دیگر، افزون‌خواهی یا تنوع طلبی مذموم در فرهنگ اسلامی، همانند دامی برای اسیر شدن انسان‌ها در هوا و هوس است(۴)....

مسلمانان با اعتقاد راسخی که به آموزه‌های اسلامی دارند، تلاش می‌کنند که از سوءاستفاده دشمنان پرهیز کنند(۵) «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات: ۱۴)؛ عرب‌های بادیه‌نشین گفتند: ایمان آورده‌ایم. بگو: ایمان نیاورده‌اید(۶)، ولی بگویید: اسلام آورده‌ایم(۷)، اما هنوز ایمان وارد قلب شما نشده است.

«قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ» (بقره: ۱۴۴)؛ نگاه‌های انتظار آمیز تو را به سوی آسمان (برای تعیین قبله نهایی) می‌بینیم... باید خود را شبیه خداپرستان کرد و با آنان ارتباط سازنده داشت و از طاغوت و کافران جدا شد و با دوستان خدا، دوستی کرد و با دشمنان خدا، دشمن بود. باید با همه خداباوران دوست بود و یا طاغوت دوری کرد(۸).

یکپارچگی اجتماع را در این آیه قرآن به راحتی می‌توان مشاهده نمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ * فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (جمعه: ۹ و ۱۰)؛ ... و از فضل خدا بطلبید و خدا را بسیار یاد کنید تا رستگار شوید(۹).

امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «پس از ستایش پروردگار، گذشت عمر و چیرگی روزگار و روی آوردن آخرت، مرا از یاد غیر خودم بازداشته و تمام توجه مرا به آخرت کشانده است»(۱۰) (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: نامه ۳۱). محور ارتباط بین فرهنگی خداباوری و معاد است(۱۱) و همواره باید بر این دو محور پایبند بود.

امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «بأدر الفرصة قبل أن تكون غصة» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸، کلمات قصار). باید از فرصت‌ها استفاده کرد تا بعداً پشیمان نشد و افسوس نخورد(۱۲). باید به

دیگران خدمت کرد و با آنها تعامل داشت و خدمت کرد.

حضرت ابراهیم (ع) در برابر هدف‌های زودگذر مردم فرمودند: «قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ» (انعام: ۷۶). فرهنگ‌های خدا باور هیچ‌گاه افول نمی‌کنند همواره باید با آنها تعامل داشت و به نحو شایسته با آنها برخورد کرد (۱۳).

«أَنْتِ وَجْهَتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ خَنيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (انعام: ۷۹)؛ من روی خود را به سوی کسی کردم که آسمان‌ها و زمین را آفریده است. من در ایمان خود خالصم و از مشرکان نیستم. باید در ایمان به خدا مخلص بود و همین‌طور با افراد خدا باور نیز مخلص بود (۱۴).

حضرت موسی (ع) برای سخن گفتن با فرعون از خداوند بیان رسا و نافذ طلب کرد: «وَإِخْلُ غُفْدَةً مِنْ لِسَانِي * يَفْقَهُوا قَوْلِي» (طه: ۲۸-۲۹)؛ و گره از زبانم بگشای تا سخنان مرا بفهمند (۱۵).

«وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا» (اسراء: ۸۰)؛ و بگو: پروردگارا! مرا (در هر کار)، با صداقت خارج ساز و از سوی خود، حاجتی یاری کننده برایم قرار ده! وقتی پیروان رهبران خود را اولین عامل به توصیه‌ها بدانند به تذکرات آنها بیشتر اهمیت خواهند داد. باید بدان چه می‌گوییم عامل باشیم و سخنی نگوئیم که خودمان به آن عمل نمی‌کنیم (۱۶).

«وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران: ۱۵۹)؛ در کارها، با آنان مشورت کن! اما هنگامی که تصمیم گرفتی، (قاطع باش و) بر خدا توکل کن! زیرا خداوند متوکلان را دوست دارد. «وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (مائده: ۳۸)؛ دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده‌اند، به‌عنوان یک مجازات الهی، قطع کنید! و خداوند شکست‌ناپذیر و با حکمت است (۱۷). باید با دیگران مشورت کرد و سپس به خدا توکل کرد.

در حدیث «معراج»، خداوند متعال به حضرت محمد (ص) فرمود: «یا احمد، هل تدری لای شیء فضلُک علی سائر الانبیاء؟ قال اللهم لا، قال بالیقین و حسن الخلق و سخاوة النفس و رحمة بالخلق»؛ ای پیامبر، آیا می‌دانی چرا تو را بر سایر انبیا برتری دادم؟ جواب داد: پروردگارا، نمی‌دانم. خداوند فرمود: به‌واسطه یقین و خوش‌خلقی و سخاوت نفس

الگوی شایستگی‌های فرهنگی سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی.....

و مدارا کردن و رحمت با مردم تو را برتری بخشیدم. این شاخصه‌ها، عامل‌هایی هستند که باعث شد از تمامی فرهنگ‌ها به پیغمبر گرایش پیدا کنند (۱۸) و خدا باوران را جذب کند. این شاخصه‌ها از عوامل شایستگی‌های فرهنگی پیامبر است.

حضرت موسی (ع) برای ارشاد فرعون سرکش از خداوند همین خواسته را داشت: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي * وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي» (طه: ۲۵-۲۶)؛ (موسی) گفت: پروردگارا، سینهم را گشاده کن و کارم را برایم آسان گردان (۱۹). باید در برخورد با سایر فرهنگ‌ها صعه صدر (۲۰) داشت و با نرمی (۲۱) با آن‌ها برخورد کرد. به گونه‌ای باید سخن گفت و عمل کرد که شایسته است و قابل فهم (۲۲) باشد و درک یکسانی داشته باشند و باید به گونه‌ای عمل شود که پیام فرستنده با پیام گیرنده حداکثر اشتراک را داشته باشد (۲۳). «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ» (اعراف: ۲۹)؛ بگو: پروردگارم به عدالت امر کرده است. به طور کلی، هدف از نزول انبیای الهی نیز احیای عدالت بوده است: «وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قَضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ» (یونس: ۴۷)؛ برای هر امتی، رسولی است. هنگامی که رسولشان به سوی آنان بیاید، به عدالت در میانشان داوری می‌شود و ستمی به آن‌ها نخواهد شد (۲۴).

چنان‌که امیرالمؤمنین (ع) توصیه می‌کردند که رهبران در هنگام اقبال و ادبار مردم، استواری داشته باشند. «لا یزنی کثرة الناس حولی عزة؛ ولا تفرقههم عنی وحشة» (نهج البلاغه، ۱۳۷۸: نامه ۳۶).

«وَلَا تَهْنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۹)؛ و سست نشوید و غمگین نگردید! و شما برترید اگر ایمان داشته باشید. «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (نور: ۵۲)؛ و هر کس خدا و پیامبرش را اطاعت کند و از خدا بترسد و از مخالفت فرمانش بپرهیزد، چنین کسانی همانند پیروزمندان واقعی هستند. پیروزی بااخلاق و خدا باوری است (۲۵) و نباید بدان شک کرد و همواره باید با این اعتقاد با مردم رفتار کرد، زیرا همواره در بلندمدت جبهه حق پیروز است و آنچه ماندنی است و فراموش شدنی نیست، اخلاق حسنه و مثبت است.

«لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ؛ قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید. به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است» (توبه/۱۲۸). برای

پایداری معاشرت می‌بایست از سخت‌گیری پرهیز کرد. انسان موجودی اجتماعی است و زندگی انسان از نخستین روزهای حیات، آمیخته با ارتباطات میان فردی (۲۷) بوده است، از این رو می‌توان گفت ارتباطات انسانی، سرچشمه فرهنگ و عامل تکامل آن است (ساروخانی، ۱۳۸۸: ۲۳).

امام (ع) می‌فرماید: «با مردم طبق معرفت و درک آن‌ها سخن بگویند و از مطالبی که قابل فهم جامعه نبوده و مورد انکار آنان قرار می‌گیرد خودداری کنید» (۲۸) (صدوق، ۱۳۷۸: ۹۸).

از سخن امیرالمؤمنین علی (ع) می‌توان دریافت: هر کار (ی که از) برادر دینی خود (سر زند آن) را به بهترین وجه آن حمل کن... و هیچ‌گاه به سخنی که از (دهان) برادرت بیرون آید گمان بد مبر، در صورتی که برای آن سخن محمل خوبی می‌یابی (۲۹) (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۳۶۲)^۱.

امام رضا (ع) برای مؤمن سه خصوصیت ذکر می‌کند: رازداری (۳۰) - مدارا کردن (۳۱) - صبر و شکیبایی در مشکلات (۳۲) (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۲: ۲۴۱؛ عطاردی، ۱۳۷۹: ۴۳۲). این شاخصه‌ها را نیز باید در ارتباط با سایر فرهنگ‌ها و اقوام داشت؛ و مانند خدا، رسول و امام رفتار کرد.

با ترس از خدایی که یکتاست و همتایی ندارد، حرکت کن. در سر راه هیچ مسلمانی را نترسان (۳۳)، ... (نهج البلاغه: نامه ۲۵)

اگر با دشمن خودت پیمان بست، یا در پناه خود او را امان دادی (شرایط ذمه را قبول کردی)، به عهد خویش وفادار باش (۳۴) و ... (نهج البلاغه: نامه ۵۳)

سه چیز است که خداوند به هیچ‌کس اجازه مخالفت با آن را نداده است: ادای امانت نسبت به هر کس، خواه بدکار یا نیکوکار باشد؛ وفای به عهد درباره هر کس، خواه نیکوکار یا بدکار باشد؛ نیکی به پدر و مادر، خواه نیکوکار یا بدکار باشند (۳۵).

«اگر نیرنگ ناپسند نبود، من زیرک‌ترین افراد بودم» (۳۶). (نهج البلاغه: خطبه ۲۰۰) نامه ۵۳ مالک اشتر: با خدا و مردم و با زیردستان و خویشاوندان نزدیک و با افرادی از

۱. هر چند امیرالمؤمنین (ع) در یکی دیگر از سخنان اشعار دارند که اگر فساد بر اهل زمانه غالب شد و نیز در مواجهه با دشمن حسن ظن جایز نیست (نهج البلاغه/ حکمت ۱۱۴).

الگوی شایستگی‌های فرهنگی سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی.....

رعیت خود که آنان را دوست داری انصاف (۳۷) را رعایت کن ... (نهج البلاغه: ۴۰۵).
خطبه ۱۹۲ تواضع و فروتنی (۳۸): اگر خدا تکبر کردن را اجازه می‌فرمود، حتماً به بندگان
مخصوص خود از پیامبران و امامان اجازه می‌داد. ... (نهج البلاغه).
خطبه ۵۳: «خداوند هر سرکشی را خوار می‌سازد و هر خودپسندی را بی‌ارزش
می‌کند» (۳۹) (نهج البلاغه).

«با مردم فروتن باش (۴۰)، نرم خو و مهربان باش (۴۱)، گشاده‌رو و خندان باش (۴۲). در
نگاه‌هایت و در نیم‌نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری
تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند (۴۳)، ...» (نهج البلاغه، نامه ۲۷).
«خدا شکرگزاری را بر عهده شما نهاده و امر حکومت را در دست شما گذارده و فرصت
مناسب در اختیارتان قرار داده است تا برای جایزه بهشت باهم ستیز کنید» (۴۴)
(نهج البلاغه، خطبه ۲۴۱).

«ای مردم از خدا بترسید (۴۵)، هیچ کس بیهوده آفریده نشد تا به بازی پردازد و او را به
حال خود وانگذاشته‌اند تا خود را سرگرم کارهای بی‌ارزش نماید و دنیایی که در دیده‌ها
زیباست، جایگزین آخرتی نشود که آن را زشت می‌انگارند و مغروری که در دنیا به
بالاترین مقام رسیده، چون کسی نیست که در آخرت به کمترین نصیبی رسیده است»
(نهج البلاغه، حکمت ۳۷۰).

«خشم را فرو نشان و به هنگام قدرت ببخش و به هنگام خشم فروتن باش و در حکومت
مدارا کن (۴۶) تا آینده خوبی داشته باشی» (نهج البلاغه، نامه ۶۹). باید با فرهنگ‌های
مختلف به صورت شایسته برخورد کرد و ارزش‌های اسلامی را حفظ کرد.

۳-۴. یافته‌های پژوهش در بخش تکنیک دلفی

بعد از استخراج کدهای باز از متون و اسناد و مدارک در بخش تحلیل محتوا از نوع
تحلیل مضمون و قرار دادن کدهای باز مشترک در کنار هم و رسیدن به مضامین فرعی
و در نهایت قرار دادن مضامین فرعی در مضامین اصلی الگوی به دست آمده نیاز به اعتبار
سنجی دارد که نظر متخصصان این اعتبار را تأمین میکند. از این رو الگوی به دست آمده
در بخش تحلیل محتوا به صورت پرسش نامه ای به متخصصان ارایه شد تا بنا بر نظر آنها
کدهای باز و مضامین فرعی و مضامین اصلی بنا به نظر آنها حذف و اضافه و یا در دسته‌ها

و گونه ای مختلف قرار گیرد تا الگوی نهایی، استخراج شود.

در نهایت بعد از توجه به نظرات خبرگان و رسیدن اجماع نظر، فرایند دلفی در مرحله سوم خاتمه یافت و الگوی نهایی تایید شد که همگی متخصصان با الگوی به دست آمده در بخش تحلیل محتوا در مرحله سوم بعد از حذف و اضافات و جابه جایی های کدها و مضامین، موافق بودند و ان را تایید کرده اند (لازم به توضیح است که متخصصان با مضامین اصلی و مضامین فرعی به دست آمده موافقت داشتند و در تنها در راند دلفی به ندرت برخی از کدهای باز جابه جا شده است که تغییری در الگوی به دست آمده در بخش تحلیل محتوا نداشته است و به عبارتی الگوی به دست آمده در بخش تحلیل مضمون، تایید و نهایی شده است).

۵. بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام این پژوهش ارائه الگوی شایستگی های فرهنگی سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی است.

در این راستا و برای پاسخ گویی به این سؤال از روش تحلیل محتوا از نوع کیفی به روش تحلیل مضمون (تماتیک) استفاده شد. پس از مطالعه دقیق متون (اسناد و مدارک علمی و آیات و روایات)، مفاهیم حاصل از آن استخراج گردید و به هر کدام یک کد اختصاص داده شد. سپس مفاهیم مشابه شناسایی شد و با ترکیب آنها تم های (مضامین) فرعی تدوین گردید. مضامین اصلی و فرعی به دست آمده به قرار زیر است:

الف: احترام و فهم و شناخت فرهنگ متقابل در عین پابندی به فرهنگ خود: تنوع فرهنگی یک امر طبیعی - برتری بر اساس تقوا و اخلاق - هوش فرهنگی - برقراری ارتباط بر اساس اشتراکات فرهنگی - توجه به خدامحوری در سایر ادیان - توجه به معاد در فرهنگ های مختلف - تبعیت از پیامبران و امامان - اعتماد به نفس در مسیر حرکت به حق - اقرار به اشتباهات خود - پیروی از حق - دوری از باطل - صداقت - مقاوم و پایدار در برابر حوادث روزگار - ایستادگی در برابر هجوم فرهنگی و نظامی - توکل بر خدا - اخلاق مداری - اشراف علمی - جلسات معارفه و آشنایی - توجه و کمک به سایر افراد و هم نشینی با نیازمندان جدای از دین و فرهنگ آنها - تواضع و فروتنی - مردم داری - گم نامی - هم دلی و هم زبانی - پای بند بودن به ارزش های اخلاقی و دینی

الگوی شایستگی‌های فرهنگی سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی.....

- معذرت‌خواهی در صورت لزوم - نداشتن غرور - عدم سرکشی - دوری از اضطراب و پریشانی - گرامی بودن انسان‌ها - همزیستی مسالمت‌آمیز - برابری - برادری - تعلیم و تعلم - ترک تعصب قومی و مذهبی - ارتباط با دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها - تعامل فرهنگی - تحول فکری - تسلط کامل بر مبانی فکری و اعتقادی سایر فرهنگ‌ها - اطلاع و اشراف درست نسبت به مبانی فرهنگ‌های دیگر - مناظر با فرهنگ‌های مختلف - امر به معروف و نهی از منکر - نگرش مثبت - گفتار نیکو - عمل نیکو - عدم توجه به عیوب خود و عیب‌گری از دیگران - عمل به گفته‌ها - کم‌سخن گفتن و درست سخن گفتن - سخن گفتن با مراعات سطح فهم و درک مخاطب و فرهنگ دیگر - مدارا کردن با دیگران - درشتی نکردن با دیگران - شناخت دوستان - شناخت دشمنان - مروت با دوستان - مدارا با دشمنان - دشمنی با طاغوت و ظالمان - دوستی با مردم - رازداری - مدارا و نرمش با مردم - پرهیز از گناه و آلوده کردن خود به حرام و انجام نارواها و ترک رواها، چه در پیدا و چه در نهان - درخواست کمک از خدا و اهورا - سود رساندن به دیگران - شناخت قدر و اندازه خود و دیگران - دوری از هوا و هوس - دوراندیشی - حفظ سلامت جسمی و روحی خود و دیگران - عدم وابستگی به دنیا - آخرت‌گرایی - خدا باوری - استفاده از عقل - استفاده از چشم دل - خودداری به هنگام سرگردانی و گمراهی - عاقبت‌گرایی - ستم نکردن به دیگران - ادای حق مردم - ادای حق خدا - وابستگی و نیاز مردم به مردم - عدم برتری شخصی بر شخصی - ارزش انسان بر اساس عقل و همت - حفظ زبان و چشم و گوش - دوستی و مروت با دیگران - آراستگی ظاهری و روحی - شکیبایی - مشورت.

ب: برخورد مناسب با فرهنگ متقابل: نیکی به نیکوکاران و شایستگان جامعه و سخت‌گیری بر بدکاران - عدالت - کمک به نیازمندان - رسیدگی به طبقه فرودست - ویژه کردن بخشی از وقت برای پاسخگویی به مردم و رسیدگی به نیازهای آنان - ویژه کردن بخشی از شب و روز برای نیایش و پرستش و گزاردن واجبات - پرهیز از خویشاوند گرایی - رساندن حق به حق‌دار - روشنگری و درآوردن مردم از گمان‌های بد، نسبت به خود و دیگران - وفای به پیمان و پرهیز از پیمان‌شکنی - پرهیز از خودپسندی، خودبرتربینی - دوست داشتن ستایش دیگران - پرهیز از منت‌گذاری بر دیگران - عمل به وعده‌ها - پرهیز از شتاب در کارها - پرهیز از تند، سرکشی و تیز زبانی و سخن

ناسنجیده- خویشتن‌داری، به هنگام خشم- گردن‌سنت‌های نیکو- نصیحت‌کردن - پند گرفتن - بیان‌گوناگون و متنوع و تکرارهای گوناگون گفتار در جهت تفهیم بهتر- دوری از طمع و افزون‌خواهی - ساده‌زیستی - دوری به پروبال دادن به تفاوت‌ها و اختلافات فرهنگی - دوستی با دوستان در حد اعتدال - دشمنی با دشمنان در حد اعتدال- ذکر خدا- حفظ ارزش‌های اخلاقی و دینی - احترام به فرهنگ مقابل - دوری از اهداف زودگذر - استفاده بهینه از زمان - خالص بودن در ایمان به توحید و معاد - خوب گوش کردن - خوب سخن گفتن - مشورت- اجرای حدود الهی - یقین - سخاوت نفس - مدارا کردن و رحمت با مردم- اخلاق نیکو- داوری با عدالت و احسان- نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان- دوستی با دوستان خدا - دشمنی با دشمنان خدا- مهربانی با خانواده و همسایگان - حضور در جامعه و ارتباط با فرهنگ‌های مختلف - مثبت‌اندیشی- رازداری- صبر و شکیبایی در مشکلات- نبودن عامل ترس افراد - عدم زورگویی و تهدید افراد - نیکی به پدر و مادر- عدم نیرنگ‌بازی - عدم تکبر و غرور - امر به معروف و نهی از منکر - سبقت در کار نیک - بخشش و رأفت با مردم.

همان‌طور که قبلاً بیان شده است نسبت به مدیریت فرهنگی سه دیدگاه وجود دارد که بر اساس یافته‌های این پژوهش میتوان اینچنین اظهار کرد که فرهنگ نه کاملاً قابل مدیریت و نه کاملاً غیرقابل مدیریت است و یافته‌های این مقاله با دیدگاه سوم هم خوانی دارد. هر انسانی با توجه به ظرفیت وجودی خود باید شایستگی‌های فرهنگی برگرفته از فرهنگ رضوی و علوی که همان الگوی اسلامی است را در خود نهادینه کند. از طرفی همان‌طور که گذشت مراحل ایجاد شایستگی فرهنگی شامل شش مرحله است که بر اساس یافته‌های این مقاله احترام و فهم و شناخت فرهنگ متقابل در عین پایبندی به فرهنگ خود شامل مراحل انکار- دفاع- کوچک‌شماری و پذیرش و برخورد مناسب با فرهنگ متقابل شامل مراحل انطباق و یکپارچگی می‌باشد. یافته‌های این پژوهش با پژوهش‌های (Allport, 1954; Amir, 1976; Dovidio, Gaertner, & Kawakami, 2003; Halualani, 2008; Pettigrew, 1986; Stephan, 1987) هم خوانی دارد و آنها را تایید میکند. در تمامی پژوهش‌های یاد شده از ابعادی همچون ارتباط بین گروهی، شرایط تماس میان گروهی، کاهش تعصب و تغییر نگرش وجود دارد که تمامی موارد یاد شده در دو مضمون اصلی این پژوهش یعنی احترام و فهم و شناخت فرهنگ متقابل در عین

الگوی شایستگی‌های فرهنگی سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی.....

پایبندی به فرهنگ خود و برخورد مناسب با فرهنگ متقابل وجود دارد و یافته‌های این مقاله با یافته‌های پژوهش‌های مذکور هم خوانی دارد و به صورت همه جانبه تمامی ابعاد را بررسی می‌کند. مطالعاتی همچون Bramel, 2004; Dixon, Durrheim, & Tredoux, 2005; Halualani, 2008 تنها بر روی مخاطبی خاص متمرکز شده اند و ابعاد شایستگی‌های فرهنگی را به صورت پراکنده و تک جانبه بررسی کرده اند که ما در این مقاله ابعاد شایستگی فرهنگی را به صورت همه جانبه و از مخاطب انسان کامل که همان ظهور خداست، بررسی کرده ایم. پژوهش‌هایی از قبیل (kormos & etal, 2014; Dunne, 2009; Metera & etal, 2012; max & etal, 2014; Kormos & csizer, 2007) یافته‌های این پژوهش را تایید می‌کنند و یافته‌های ما در این مقاله، نمونه جامع و کامل تری از یافته‌های آنهاست که خلائای مطالعاتی آنها را برطرف کرده است و دارای انسجام و یکپارچگی بیشتری می‌باشد و از طرفی دیگر بر اساس الگوی اسلامی طراحی شده است. در کل یافته‌های این پژوهش نظریات الپورت در سال ۱۹۵۴ و کرومس و همکاران ۲۰۱۴ و یافته‌های متکی بر این نظریه در سالیان بعد را تایید می‌کند و بر این عقیده است که قابلیت هم زیستی فرهنگی و در نهایت هم زیستی ادیان با وجود فرهنگ‌های مختلف و ادیان مختلف وجود دارد.

افراد (مسلمانان) برای آنکه از شایستگی فرهنگی برخوردار باشند باید این شاخصه‌ها را که از آیات و روایات دینی استخراج شده است در افکار، گفتار و رفتار خود به کار ببرند و مطابق با آن و حتی الامکان نزدیک به آن را انجام بدهند. پیشنهاد داده می‌شود افراد جویای معرفت و حقیقت از الگوهای اسلامی ناب بهره ببرند و در زندگی خود به کار گیرند. اسلام دین آزادی است و مسلمان دارای فهم زیاد و تعصب کم است. آزادی در پیروی از عقل و عشق است و اسارت در پیروی از هوای نفس و شهوات است. و درود بر هر کس که در جست و جو و پذیرای هدایت است.

منابع

- قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند.
نهج البلاغه. ترجمه محمد دهدشتی.
ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۷). عیون اخبار الرضا (ع). مترجم محمد تقی آقا نجفی اصفهانی، چاپ اول، قم: پیام علمدار.
ابن شهر آشوب مازندرانی، (۱۳۲۸). متشابه القرآن. بی تا: بیدار.
ادلر، جی نانس، (۱۳۸۷). ابعاد بین المللی رفتار سازمانی، ترجمه علی یاور فصیحی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
بارتلد، واسیلی ولادیمیر، (۱۳۸۳). فرهنگ و تمدن اسلامی. مترجم عباس به نژاد، تهران: امیرکبیر.
پرکان، حسین، (۱۳۹۱). پرورش خلاقیت در سازمان با نگاهی به متون اسلامی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
جعفری، محمد حسن، (۱۳۹۰). جایگاه حوزه علمیه در سیاست گذاری فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی ایران، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ش ۱، ص ۳۳-۵۱.
حکیمی، محمد رضا، ۱۳۶۸، الحیاة قم، الدارالاسلامیه.
رابینز، استیفن، (۱۳۹۰). تئوری سازمان - ساختار و طرح سازمانی، ترجمه سید مهدی الوانی حسن دانایی فرد، تهران، صفار.
ساروخانی، باقر (۱۳۸۸). جامعه شناسی ارتباطات. تهران: اطلاعات.
شکویی، حسین (۱۳۸۹). دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. تهران: سمت.
صدر، سید موسی (۱۳۷۹). اسلام و فرهنگ قرن بیستم. مترجم علی حجتی کرمانی. تهران: کتاب آوند دانش.
صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (۱۳۷۸). عیون اخبار الرضا، تهران: جهان.
صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه (۱۳۸۳). عیون اخبار الرضا. قم: الحیدریه.
صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه (۲۰۰۹ م). التوحید. تعلیق و توضیح علامه مجلسی. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). اسلام و مقتضیات زمان، ج اول، تهران، صدرا.

الگوی شایستگی‌های فرهنگی سرمایه انسانی از دیدگاه اسلام با تأکید بر فرهنگ علوی و رضوی.....

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). تفسیرالمیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ ق). مکارم الاخلاق. چاپ چهارم، قم: شریف رضوی.
طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق). الامالی. قم: دارالثقافه.
عطارودی، عزیزالله، (۱۳۷۹). آثار و اخبار امام رضا (ع). تهران: صدر.
مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ ق). بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
هچ، ماری جو (۱۳۸۵). تئوری سازمان، ترجمه حسن دانایی فرد، حسن، تهران، نشر افکار.

Allport, W. G (1954). The nature of prejudice. Cambridge, MA: Addison-Wesley. Amir, Y (1969). Contact hypothesis in ethnic relations. *Psychological Bulletin*, 71, 319–341.

Amir, Y (1976). The role of intergroup contact in change of prejudice and ethnic relations. In P. A. Katz (Ed.), *Towards the elimination of racism* (pp.245–308). New York: Pergamon.

Arasaratnam, L. A (2015). Research in intercultural communication: reviewing the past decade. *Journal of International & Intercultural Communication*, 8(4), 290–310.

Arasaratnam, L. A (2016). Intercultural competence. In J. Nussbaum (Ed.), *Oxford research encyclopedia of communication* (1–23).

Bennett, M (1986). “A Development Approach to Training for Integration is Reshaping the EU”. *Journal of Intercultural Relations*, Vol. 10(2).

Bramel, D (2004). The strange career of the contact hypothesis. In Y. T. Lee, C. McAuley, F. Moghaddam, & S. Worchel (Eds.), *The psychology of ethnic and cultural conflict* (pp. 49–67).

Deardorff, D. K (2015). Intercultural competence: mapping the future research agenda. *International Journal of Intercultural Relations*, 48, 3–5.

Desforjes, D. M., Lord, C. G., Ramsey, S. L., Mason, J. A., Van Leeuwen, M. D., West, S. C., et al. (1991). Effects of structured cooperative contact on changing negative attitudes toward stigmatized groups. *Journal of Personality and Social Psychology*, 60(4), 531–544.

Dixon, J., Durrheim, K, & Tredoux, C (2005). Beyond the optimal contact strategy: a reality check for the Contact Hypothesis. *American Psychologist*, 60(1), 697–711.

Dovidio, J. F., Gaertner, S. L & Kawakami, K (2003). Intergroup contact: the past, present, and the future. *Group Processes & Intergroup Relations*, 6(1), 5–21.

Dunne, C (2009). Host students' perspectives of intercultural contact in an Irish university. *Journal of Studies in International Education*, 13(2), 222–239.

Endicott, L., Bock, T & Narveaz, D (2003), Moral Reasoning, Intercultural Development and Multicultural Experiences: Relations and Cognitive Underpinning, *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 27.

Gaertner, S. L., Mann, J. A., Dovidio, J. F., Murrell, A. J., & Pomare, M (1990). How does cooperation reduce intergroup bias? *Journal of Personality and Social Psychology*, 59(4), 692–704.

Halualani, R. T (2008). How do multicultural university students define and make sense of intercultural contact? A qualitative study. *International Journal of Intercultural Relations*, 32(1), 1–16.

Halualani, R. T., Chitgopekar, A., Morrison, J. H. T. A & Dodge, P. S. W (2004). Who's interacting? And what are they talking about?—intercultural contact and interaction among multicultural university students. *International Journal of Intercultural Relations*, 28(5), 353–372.

Hammer, M. R (2015). The Developmental paradigm for intercultural competence research. *International Journal of Intercultural Relations*, 48, 12–13.

Hammer, M.R., Bennett, M.J. & Wiseman, R (2003). Measuring Intercultural Development Inventory, *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 27.

Kormos, J., & Csizér, K. (2007). An interview study of inter-cultural contact and its role in language learning in a foreign language environment. *System*, 35(2), 241–258.

Kormos, J., Csizér, K., & Iwaniec, J. (2014). A mixed-method study of language-learning motivation and intercultural contact of international students. *Journal of Multilingual and Multicultural Development*, 35(2), 151–166..

Liu, S (2012). Rethinking intercultural competence: global and local nexus. *Journal of Multicultural Discourses*, 7(3), 269–275.

Mak, A. S., Brown, P. M & Wadey, D (2014). Contact and attitudes toward international students in Australia: intergroup anxiety and intercultural communication emotions as mediators. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 45(3), 491–504.

Matera, C., Stefanile, C & Brown, R (2012). Host culture adoption or

intercultural contact? Comparing different acculturation conceptualizations and their effects on host members' attitudes towards immigrants. *International Journal of Intercultural Relations*, 36(4), 459–471.

Pettigrew, T. F., & Tropp, L. R. (2000). Does intergroup contact reduce prejudice? In S. Oskamp (Ed.), *Reducing prejudice and discrimination* (pp. 93–115)

.Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates.

Paige, M. et al, (2003), "Assessing Intercultural Sensitivity: an Empirical Analysis of the Hammer and Bennett Intercultural Development Inventory", *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 27.

Pettigrew, T. F (1986). The intergroup contact hypothesis reconsidered. In M. Hewstone, & R. Brown (Eds.), *Contact and conflict in intergroup encounters* (pp. 169–195). London: Basil Blackwell.

Pettigrew, T. F. (2008). Future directions for intergroup contact theory and research. *International Journal of Intercultural Relations*, 32(3), 182–199.

Pettigrew, T. F & Tropp, L. R (2011). *When groups meet: the dynamics of intergroup contact*. New York: Psychology Press.

Sandage, S. J & Jankowski, P. J (2013). Spirituality, social justice, and intercultural competence: mediator effects for differentiation of self. *International Journal of Intercultural Relations*, 37(3), 366–374.

Smith, C. B (1994). Back and to the future: the intergroup contact hypothesis revisited. *Sociological Inquiry*, 64(4), 438–455.

Stephan, W. G (1987). The contact hypothesis in intergroup relations. In C. Hendrick (Ed.), *Review of personality and social psychology* (13–40).